



## آشنایی با کرسی های زبان و ادبیات فارسی ، ایران شناسی در ژاپن مصاحبه با سید آیت حسینی<sup>۱</sup>

■ به کوشش مهشید برجیان بروجنی<sup>۲</sup>



### چکیده

دیر زمانی ست که بین کشور ایران و کشورهای منطقه خاور دور ارتباطات تجاری و فرهنگی برقرار بوده است. یکی از این کشورها، کشور ژاپن است که به نظر می رسد اطلاعات ما از اوضاع اقتصادی و روابط تجاری ما بین دو کشور بیشتر از اطلاعات فرهنگی و پژوهشی باشد، لذا برای تکمیل این اطلاعات و آگاهی از اوضاع فرهنگی و تاثیر آن بر گسترش زبان و ادبیات فارسی در ژاپن همچنین گسترش زبان و ادبیات ژاپنی در ایران ترغیب شدیم مصاحبه ای با آقای دکتر سید آیت حسینی عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران که بطور همزمان هم در این دانشکده و هم در گروه زبان و ادبیات خارجی دانشکده مطالعات جهان-مطالعات شرق

شناسی گروه مطالعات شرق آسیا کار تدریس را انجام می دهد داشته باشیم و از اطلاعات ارزنده آقای دکتر به عنوان شخصی که کارشناسی زبان ادبیات ژاپنی از دانشگاه تهران گرفته همچنین مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی گرایش زبان ژاپنی و دوره دکتری را در دانشگاه توکیو در رشته زبان شناسی ژاپنی سپری کرده اند در این شماره از نشریه بهره مند شویم .

**کلید واژه:** دکتر سید آیت حسینی، زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات ژاپنی ، ژاپن، دپارتمان زبان و ادبیات فارسی

۱. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران  
۲. کارشناس معاونت پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



جناب آقای دکتر ضمن نهایت سپاس از تقبل زحمت و فرصتی که در اختیار مجله ایرانی اسلامی قرار دادید، خواهش می‌کنم در ابتدا برای شناخت بیشتر مخاطبان ما خودتان را معرفی فرمایید و در باره فعالیت های علمی تان توضیح دهید:

- بنده سیدآیت حسینی عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران هستم. همزمان در این دانشکده و در گروه زبان و ادبیات خارجی دانشکده مطالعات جهان (مطالعات شرق‌شناسی گروه مطالعات شرق آسیا) تدریس می‌کنم. تحصیلات من هم کارشناسی زبان و ادبیات ژاپنی در دانشگاه تهران بود. کارشناسی ارشدم را در دانشگاه تهران رشته زبان‌شناسی البته زبان ژاپنی گذراندم. دوره دکتری را در دانشگاه توکیو در رشته زبان‌شناسی ژاپنی سپری کردم.

درباره زمینه و آثار تحقیقاتی ام باید گفت از آن جا که تحصیلات من در حوزه زبان‌شناسی بوده، بخشی از آثار و کارهای علمی من در حوزه زبان‌شناسی مخصوصاً زبان‌شناسی مقابله‌ای فارسی و ژاپنی بوده است. در حوزه‌ای که بیشتر مربوط به تحصیلاتم بود، نظام آوایی فارسی و ژاپنی را مقایسه می‌کردم. در حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی کاربردی مثل ترجمه‌شناسی و فرهنگ‌نگاری هم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم. پس از فراغت از تحصیل دکتری از وقتی که به ایران برگشتم به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه مشغول خدمت شدم و حسب ضرورت در حوزه‌های دیگری مثل ادبیات و فرهنگ و تاریخ ژاپن هم پژوهش‌ها و ترجمه‌های مختلفی انجام دادم.

**آیا در دانشگاه محل تحصیل شما گروه زبان فارسی وجود داشت؟ اساساً ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های ژاپن وجود داشت؟**

- بله. ایران‌شناسی در ژاپن وجود دارد گرچه در دانشگاهی که من در توکیو درس می‌خواندم دپارتمان زبان فارسی یا ایران‌شناسی وجود نداشت. در دانشگاه‌های دیگر که با جزئیات خدمت شما معرفی می‌کنم ایران‌شناسی و ادبیات فارسی وجود داشت. به دلایل مختلف ارتباط من در همان زمان دانشجویی با آن بخش‌ها وجود داشت. الان هم کماکان این ارتباط وجود دارد و سعی می‌کنم با دانشجویهای آن جا همچنان ارتباط داشته باشم.

**درباره وضعیت ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی و همچنین دپارتمان زبان فارسی در ژاپن توضیحات بیشتری بدهید.**

اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در ژاپن خیلی از همدیگر جدا نیستند. یعنی معمولاً به عنوان بخش‌هایی از موضوع کلی‌تر قلمداد می‌شوند. نکته دیگر هم این است که مرکز یا مؤسسه پژوهشی ایران‌شناسی یعنی پژوهشگاهی که مختص به ایران‌شناسی باشد در ژاپن به صورت مستقل و مشخص وجود ندارد. برخلاف بعضی از کشورها که مراکزی تحت عنوان ایران‌شناسی و مطالعات ایران دارند، مطالعات





ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در ژاپن در دانشگاه‌ها و مراکز مطالعات خارجی و مراکز مطالعات جهان و به صورت پراکنده انجام می‌شود.

لازم است ابتدا نگاهی به وضعیت ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در ژاپن بیندازیم و اگر زمینه‌های تاریخی آن را بررسی کنیم نگاه ما نگاه دقیق‌تری می‌شود. کسانی که با تاریخ ژاپن آشنایی دارند می‌دانند ژاپن یک دوره انزوای تاریخی داشته، برابر با حدود ۲۶۰ سال، که تقریباً از سال ۱۶۳۰ میلادی آغاز شده است. خاندان توگوداوا که بر ژاپن حکومت می‌کرد ارتباط کشور را با بقیه نقاط دنیا قطع کرد به این شکل نه کسی می‌توانست از ژاپن خارج شود و نه کسی می‌توانست وارد شود. نه اندیشه‌ای و نه کتابی وارد نمی‌شد. یک دوره انزوای تقریباً سه قرنیه بوده است. وقتی در قرن نوزدهم دوره انزوا تمام شد، تشنگی و عطشی برای شناختن جهان در ژاپن وجود داشت. سفرها به سرزمین‌های اسلامی هم بعد از دوره انزوا انجام شد. در بعضی از سفرها به صورت مأموریت دولتی از طرف وزارت خارجه ژاپن به سرزمین‌های اسلامی از جمله به ایران و هند و عثمانی سفر کردند و سفرنامه و گزارش نوشتند. شروع مطالعات درباره کشورهای خاور میانه به نوعی از این دوره بود، ولی اسلام‌شناسی جدی، و اگر ایران را در نظر بگیریم، مطالعات در مورد زبان فارسی، از قرن بیستم آغاز شد.

نسبت به خیلی از کشورهای دیگر جدید است. به خاطر همان دوره انزوا. بعد از آن دوره مطالعات خاور میانه و ایران شروع شد. چیزی که در ژاپن چشم‌گیر است و شاید در هیچ یک از کشورهای دیگر نباشد نقش پررنگ دولت است! پیشگام بودن دولت در این که ما حتماً باید کشورهای غرب آسیا و اسلام و مدیترانه را بشناسیم. البته این تلاشی که دولت داشته، در دوره‌های مختلف اغراض و دلایل مختلفی داشتند، به این شکل نبوده که همیشه به یک دلیل یا به یک هدف بوده باشد. به نظر من این مطالعات خاور میانه را در ژاپن به طور کلی به سه دوره می‌توان تقسیم کرد که در هر سه دوره آن دولت نقش پررنگی دارد. دوره اول آن تقریباً از ۱۹۳۰ شروع می‌شود تا پایان جنگ جهانی دوم. در این دوره بیشتر اغراض و اهداف دولت سیاسی است یعنی ژاپن از نظر سیاسی می‌خواست غرب آسیا را بشناسد. دنبال گسترش نفوذ سیاسی خود در قاره آسیا بوده است. مؤسسات پژوهشی را ایجاد کرده بود برای این که آسیا را بهتر بتواند بشناسد. هدف اصلی هم شناخت کشور چین بوده است. چین کشوری بزرگ و قدرتی بزرگ، و ژاپن کشوری کوچک، در آن دوره که ژاپن قدرتی یافته بود. به هرحال چین را به عنوان هدف اصلی خود نگاه می‌کرد. در غرب چین مسلمان‌ها زندگی می‌کنند. رویکردی که ژاپنی‌ها داشتند این بود که ما اسلام را بشناسیم و بتوانیم با مسلمان‌های غرب چین ارتباط برقرار کنیم. مطالعه اسلام و مطالعه غرب آسیا به نوعی با اهداف کاملاً سیاسی صورت می‌گرفت.

بعد از جنگ جهانی دوم، در دوره دوم، رویکرد به طور کلی عوض شد. بعد از جنگ جهانی دوم و شکست ژاپن در جنگ، دوره بازسازی و توجه به اقتصاد و صنعت شروع شد. قبل از آن نگاه به نظامی‌گری و مسائل سیاسی بود. از این دوره کلاً نگاه اقتصادی شد. دولت ژاپن در دهه پنجاه و شصت میلادی سعی می‌کرد اسلام و خاور میانه و غرب آسیا را با نگاه اقتصادی بشناسد. مؤسسات تحقیقاتی





تأسیس شدند. سرعت کُند بود. دلیلش شاید این بود که مطالعه به صورت با واسطه بود، یعنی خیلی وقت‌ها از روی آثار پژوهشی که غربی‌ها به زبان انگلیسی می‌نوشتند، با واسطهٔ زبان انگلیسی، اسلام و ایران را مطالعه می‌کردند.

دورهٔ سوم از دههٔ هفتاد میلادی شروع شد. سال ۱۹۷۳ اتفاق مهمی افتاد. بحران نفت و شوک نفتی، که کشورهای تولیدکنندهٔ نفت تصمیم گرفتند تولید خود را محدود کنند و قیمت نفت بالا برود. ژاپن چیزی بالغ بر هفتاد درصد نفت خود را از خاور میانه وارد می‌کرد. شوک نفتی خیلی بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشت. متوجه شد و نگاهش به خاور میانه خیلی متفاوت‌تر و دقیق‌تری شد. از این دوره می‌بینیم که در ژاپن با سرعت خیلی زیادی مطالعه در مورد خاور میانه صورت گرفت و مؤسسات مختلف پشت سر هم تأسیس شدند و توجه به اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در آن دوره خیلی شکوفا شد. در این دوره می‌بینیم خیلی از مطالعات از زبان اصلی است. اهتمام به زبان فارسی و زبان بقیهٔ کشورها. به صورت مستقیم و بی واسطه بروند این کشورها را مطالعه کنند و به منابع غربی تکیه نکنند. ظهور پژوهشگر نابغه‌ای مثل پروفسور توشیهیکو ایزوتسو<sup>۱</sup> که در ایران مطالعات ژاپنی را به اسم ایزوتسو می‌شناسند. فردی که در دههٔ هفتاد میلادی به ایران سفر کرد و با استادان ایرانی مباحثه داشت و دربارهٔ اسلام و تشیع تحقیق کرد. اولین کسی که قرآن را مستقیماً از زبان عربی به زبان ژاپنی ترجمه کرد. قبل از وی ترجمه‌های قرآن به ژاپنی، از ترجمه‌های اروپایی یا چینی انجام شده بود. کسی که عرفان اسلامی را و همین طور تصوف را با مکاتب و ادیان شرقی مقایسه کرد و کار تطبیقی انجام داد. در این دوره در ژاپن شاهد شکوفایی همه‌جانبه در مطالعات اسلامی و خاور میانه هستیم.

### این تحقیق کی و چگونه انجام شده است؟

پروفسور ایزوتسو از قبل از جنگ جهانی دوم فعال بوده ولی این توجهی که به غرب آسیا شد بعد از دههٔ هفتاد میلادی اتفاق افتاد و باعث شد شاگردان زیادی را ایشان تعلیم بدهد که الان جزو اسلام‌شناس‌های برجستهٔ دنیا هستند و سفرهای زیادی به نقاط مختلف دنیا انجام می‌دهند و منابع اسلامی را جمع‌آوری می‌کنند.

در خصوص ایران‌شناسی به طور خاص اگر بخواهم بگویم توجه به تاریخ ایران در ژاپن خیلی پرننگ است، و ما می‌توانیم سه جریان یا سه گرایش متفاوت را در توجه به تاریخ ایران در ژاپن ببینیم. یکی آن که خیلی قدیمی‌تر است در حقیقت از مطالعات بودیسم و دین بودا می‌آید. دین بودا یکی از دین‌های اصلی کشور ژاپن به همراه شینتوئیسم است و ژاپنی‌ها از قرن‌های قبل دنبال تحقیق دربارهٔ دین بودا و ریشه‌های دین بودا در هند و نپال و در جاهای دیگر بودند. در این دوره که امکان ارتباط با جاهای مختلف فراهم شد، و به قول معروف بعد از باز شدن درهای کشور، به متون بودایی رسیدند که در آسیای میانه و ماوراء النهر نوشته شده بود. متونی که به زبان‌های ایرانی مثل سغدی و اغلب با خط مانوی نوشته شده بودند. این متون بودایی را مطالعه می‌کردند و با زبان‌های ایرانی آشنا می‌شدند. این

1. Toshihiko Izutsu  
(1914—1993)





باعث شد زبان‌های دیگر ایرانی را مطالعه کنند، از جمله اوستایی و پارتی (پهلوی اشکانی) و فارسی میانه (پهلوی ساسانی). گرایش‌هایی که در مطالعه تاریخ و زبان‌های ایران باستان در ژاپن به وجود آمد در حقیقت از دروازه مطالعه بودیسم بوده است.

گرایش دیگری که وجود دارد از لزوم مطالعه چین آمده است. ژاپنی‌ها خیلی علاقه داشتند چین را بشناسند و این علاقه به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. از وقتی که از قرن پنجم ششم میلادی، ژاپن ارتباط زیادی با چین برقرار کرد. دین بودا و نظام نوشتاری را با مکتب کنفوسیوسی از چین گرفت و با دائونیسیم آشنا شد. خیلی تشنه این بود که چین را بشناسد. تاریخ چین هم با تاریخ مغولستان پیوند تنگاتنگ دارد. نمی‌شود چین را مطالعه کرد و مغولستان را مطالعه نکرد. ژاپن به تاریخ مغولستان هم خیلی علاقه دارد. مغول‌ها به ژاپن هم حمله کردند. نوه چنگیز خان یعنی قوبلای خان دو حمله به ژاپن انجام داد که به خاطر مقاومت ژاپنی‌ها و همین‌طور طوفان‌هایی که در دریا بود شکست خورد. علاقه به مطالعه فتوحات مغول‌ها در ژاپنی‌ها خیلی قوی بوده. در سرزمین‌هایی که مغول‌ها فتح کرده بودند دنبال آن بودند پیامدهای حمله و حکومت‌هایی را که در حقیقت میراث‌دار حمله مغول بودند مطالعه کنند. به این خاطر تاریخ ایلخانی ایران بسیار مورد توجه ژاپنی‌ها قرار گرفته و پژوهشگرهای برجسته‌ای بودند که تاریخ ایلخانی را مطالعه کردند و هنوز هم مطالعه می‌کنند. هنوز هم تاریخ ایلخانی یکی از دوره‌های مورد علاقه ژاپنی‌ها در ارتباط با تاریخ ایران است. تاریخ ایلخانی و تاریخ قبل و بعد آن. دوره سلجوقی و دوره صفوی را هم خیلی مطالعه کردند. به این دلیل دوره قرون وسطا در ایران را خیلی علاقه داشتند و مطالعه کردند.

جریان سوم که بعداً به وجود آمد دوره تاریخ معاصر است. تقریباً بعد از دهه هشتاد میلادی خیلی از پژوهشگرهای ژاپنی به سمت تاریخ معاصر رفتند. به انقلاب مشروطه و ملی شدن صنعت نفت ایران و انقلاب اسلامی خیلی علاقه دارند. خیلی از پژوهشگرهای ژاپنی دنبال ارتباط بین اینها هستند. ارتباط بین انقلاب اسلامی و ملی شدن صنعت نفت و انقلاب مشروطه. این دوره‌ها را خیلی با علاقه مطالعه می‌کنند. صحبت‌های من کمی طولانی شد ولی فکر می‌کنم لازم است مطلبی را در مورد علاقه ژاپنی‌ها به تاریخ ایران اضافه کنم. یک سری اشیاء ایرانی یا منصوب به ایران از قدیم در کشور ژاپن وجود داشته. بعضی‌ها در کاوش‌های باستانی به دست آمده و بعضی‌ها هم در معابد از دوران گذشته بوده و الان هم به موزه انتقال پیدا کردند. از جمله معروف‌ترین اشیاء کاسه شیشه‌ای است که در دوره ساسانی ساخته شده. یا سفال‌های آبی‌رنگی پیدا شده که داخل خمره‌های بزرگ بودند و اعتقاد باستان‌شناس‌های ما این است که اینها سفال‌های سیراف هستند که در بندر سیراف<sup>۱</sup> درست شدند. یک سری اشیاء دیگر هست که شواهد نشان می‌دهد با ایران ارتباط داشتند. این اشیاء چه جوری به ژاپن رسیدند؟ واقعاً به طور قطع نمی‌شود جواب داد. تعدادی از نویسنده‌ها و پژوهشگرها در ایران و ژاپن در هر دو طرف هستند که خیلی دوست دارند بگویند ارتباط مستقیمی بین ژاپن و ایران در دوران باستان خصوصاً ساسانی‌ها وجود داشته و ایرانیان مستقیم به ژاپن آمدند و این اشیاء را با خود آوردند. خیلی نمی‌شود اینها را ثابت کرد. احتمال

۱. در استان بوشهر در جنوب ایران.



این هم وجود دارد که اینها با واسطه به ژاپن رسیده باشند. چون ژاپنی‌ها به چین و ایرانی‌ها هم به چین رفت و آمد داشتند، احتمال این که اشیاء از طریق جاده ابریشم به صورت باواسطه به ژاپن رسیده باشد خیلی زیاد است. نظرات شاذی هم مطرح شده است. می‌گویند دسته‌ای از شاهزادگان ساسانی به ژاپن رفتند. این حرف حالت افسانه هم پیدا کرده است. به هر حال باعث ایجاد علاقه در ژاپنی‌ها به تاریخ ایران باستان شده است. هرازگاهی گزارش کشف‌های تازه می‌آید. همین چند سال پیش اکتشاف خیلی جالبی صورت گرفت. تقریباً در دهه هفتاد میلادی در شهر نارا که پایتخت ژاپن در قرن هشتم میلادی بوده است، در کاوش‌های باستان‌شناسی قطعه‌های چوبی پیدا شد که اسم افراد روی آن نوشته شده بود. اسم معلم‌هایی که در شهر نارا تدریس می‌کردند. آن‌جا مهمان‌سرا و خوابگاه بود. می‌ماندند و شاگردانی در رشته‌های مختلفی پرورش می‌دادند، از جمله نجوم و ریاضیات. بعضی از قطعه‌ها خوانده شده بود. بعضی‌ها هم به خاطر فرسودگی و رطوبت و از بین رفتن قطعات چوبی خوانده نشده بود. حدود چهار پنج سال پیش بود که با استفاده از فناوری‌های جدید یک قطعه چوبی خوانده شد که روی آن اسم معلمی نوشته شده بود. اسم آن معلم «کیومیچی پارسی نوته» بود: کیومیچی از پارس. دوباره به این صحبت‌ها دامن زد که آیا این فرد پارسی و ایرانی بوده است؟! آیا به طور قطع می‌توان گفت که این معلم ایرانی بوده و از ایران به ژاپن رفته بوده؟ شاید فرد چینی بوده که به هر دلیلی لقب پارسی داشته، یا اجداد او لقب پارسی گرفته بودند. این جوری هم می‌شود به آن نگاه کرد.

در اکتشافات باستان‌شناسی در ایران، به خصوص قبل از انقلاب، ژاپنی‌ها خیلی فعال بودند. با پژوهشگرهای ایرانی و غربی مشارکت داشتند. ژاپنی‌ها الان هم کم و بیش با میراث فرهنگی و با موزه ایران باستان ارتباط دارند. خبر دارم در حوزه مرمت و همین‌طور اکتشاف کارهایی می‌کنند. علاقه به تاریخ ایران باستان در ژاپن خیلی پررنگ است.

## با توجه به این علاقه‌ای که فرمودید، آیا مراکزی در خصوص ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در ژاپن وجود دارد؟

- پژوهشگاه یا مؤسسه یا پژوهشکده‌ای که منحصراً مختص ایران‌شناسی یا اسلام‌شناسی باشد در ژاپن نیست. دو دانشگاه هست که دپارتمان زبان فارسی دارند و کار ایران‌شناسی هم انجام می‌دهند. علاوه بر آنها مراکز و پژوهشگاه‌های دیگر در حوزه مطالعات اسلام و مطالعات خاور میانه هستند. از جمله پژوهشگاهی وابسته به دانشگاه مطالعات خارجی توکیو است که اسم آن پژوهشگاه آسیا - آفریقا است. این پژوهشگاه یکی از مراکز اصلی مطالعه در زمینه خاور میانه و اسلام است. مراکز دیگری مثل انجمن مطالعات شرقی هست که در ۱۹۶۵ تأسیس شده است. همچنین مؤسسه فرهنگ‌های شرقی وابسته به دانشگاه توکیو هست که آن‌جا هم خیلی فعال است. انجمن مطالعات خاور میانه در دهه هشتاد میلادی تأسیس شده است. مؤسسه اقتصاد خاور میانه بعد از همان شوک نفتی در دهه هفتاد میلادی تأسیس شده است. مؤسسه اقتصاد کشورهای در حال





توسعه هم هست. در همه اینها هم ایران بررسی می‌شود و هم مطالعات اسلامی صورت می‌گیرد. اغلب این مراکزی که اسم بردم مجلات علمی دارند، گردهمایی‌های سالانه علمی دارند، و کنفرانس برگزار می‌کنند. ضمن این که فعالیت‌های انفرادی هم وجود دارند، مثلاً در فلان دانشگاه در گروه تاریخ، استادی هست که علاقه اصلی آن مثلاً ایران است.

### بسیار مبحث جالبی است، آیا آماری از آنها دارید؟

به خاطر پراکنده بودن آنها، عدد دقیق گفتن در مورد تعداد اشخاص خیلی سخت است. یک بار کسی در دهه نود میلادی در مقاله‌ای آماری منتشر کرده بود و تعداد ایران‌شناسان ژاپنی را حدود ۴۲ نفر نوشته بود. این برای سال ۱۹۹۹ میلادی بود. الان گمان کنم تعداد بیشتر باشد. به خاطر پراکندگی شاید رقم دقیقی نشود گفت.

### در باره زبان و ادبیات فارسی در ژاپن وضعیت به چه ترتیبی است؟ ظرفیت‌های آموزش زبان فارسی در ژاپن وجود دارد؟

در خصوص ادبیات و زبان فارسی یک مقداری متمرکزتر است. عرض کردم دو دانشگاه هست که دپارتمان زبان و ادبیات فارسی دارند. یکی دانشگاه اُساکا و یکی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو. در چند دانشگاه دیگر هم کلاس‌های زبان فارسی برای درس‌های اختیاری دانشجویها برگزار می‌شود، به عنوان زبان دوم، یا مثلاً دانشجویی که می‌خواهد در حوزه اسلام کار کند می‌خواهد چند واحد زبان فارسی بگذرانند. مثلاً در دانشگاه دایتو بونکا. ولی فقط همان دو دانشگاه دپارتمان زبان فارسی دارند. قدیمی‌ترینشان هم دانشگاه اُساکا است که باسابقه‌ترین مرکز آموزش زبان فارسی در ژاپن است. سال ۱۹۱۰ مدرسه آموزشی به اسم مؤسسه زبان‌های خارجی اُساکا تأسیس شد. در ۱۹۲۵ کلاس‌های زبان فارسی راه اندازی شد. نه به عنوان رشته. این کلاس‌ها قدیمی‌ترین کلاس‌های آموزش زبان فارسی در ژاپن هستند. بعد از جنگ جهانی دوم، این مؤسسه تبدیل به دانشگاه مطالعات خارجی اُساکا شد. سال ۱۹۶۱ زبان فارسی تبدیل به رشته شد و برای اولین بار با عنوان رشته زبان و ادبیات فارسی دانشجو گرفت. سال ۲۰۰۷ دانشگاه مطالعات خارجی اُساکا در دانشگاه اُساکا ادغام شد.

دانشگاه دوم هم که رشته زبان فارسی دارد دانشگاه مطالعات خارجی توکیو است که یک سال بعد از انقلاب اسلامی ایران یعنی سال ۱۹۸۰ تأسیس شده است.

در این دو مرکز به طور مرتب سالانه دانشجویهای زبان فارسی پذیرفته و فارغ التحصیل می‌شوند.

### جمعیت دانشجویی این مراکز حدوداً چقدر است؟

تقریبی می‌توان گفت. به طور کلی می‌توانیم بگوییم در کل ژاپن شاید حدود ۲۰۰ نفر دانشجوی زبان و ادب فارسی در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل هستند.





با توجه به این شرایط که فرم‌دید ب نظر تان وضعیت اشتغال آنها در ژاپن به چه صورتی است؟

-وضعیت اشتغال، تا آن جایی که با استادان و دانشجویهای آنها ارتباط دارم، به طرز جالبی شبیه اشتغال دانشجویهای ماست، یعنی دانشجویهایی که در ایران زبان ژاپنی می‌خوانند، وضعیت اشتغال آنها شبیه است. یک مقدار به خاطر ارتباطی که به دلایل مسائل سیاسی موجود کم شده است، شاید بتوانم بگویم وضع اشتغال خیلی خوب نیست! در هر دو کشور تعدادی از فارغ التحصیل‌ها جذب مراکز دولتی می‌شوند، تعدادی جذب دستگاه دیپلماسی می‌شوند. الان خیلی از کارمندان و دیپلمات‌های سفارت ژاپن در ایران، و تاجیکستان، و افغانستان، زبان فارسی می‌دانند. اینها اکثرشان فارغ التحصیل یکی از آن دو مرکز هستند. تعدادی جذب رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها در ایران و جاهای دیگر می‌شوند. می‌توانیم بگوییم بیشتر فارغ التحصیل‌ها در رشته‌های غیر مرتبط با تحصیل خود در ایران مشغول به کار می‌شوند. همان مسئله‌ای که بین فارغ التحصیل‌های خودمان داریم. وضعیت اشتغال به این صورت است.

**در مطالعات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی در ژاپن در حال حاضر چه موانع و مشکلاتی برای آموزش و تحقیق و پژوهش وجود دارد؟ اساساً ظرفیت‌ها و چالش‌های این مطالعات در چیست؟**

-بله، اصلی‌ترین مانع فکر می‌کنم کم بودن روابط بین دو کشور است. دلایل آن هم دلایل سیاسی است. وقتی ارتباط کم می‌شود طبیعتاً حتی اگر قرارداد همکاری و تفاهم‌نامه هم داشته باشیم در عمل خیلی قابل اجرا نیست. ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی وجود دارد. واقعاً غیر قابل انکار است. مختص ژاپن هم نیست. وقتی در رسانه‌های غرب چنین جریانی شروع می‌شود ژاپنی‌ها هم خیلی تحت تأثیر رسانه‌های غربی و هالیوود هستند. در خیلی از کشورهای دنیا و کشورهای غربی وقتی اسم ایران می‌آید شهروندهای عادی مثلاً می‌گویند ما یاد جنگ می‌افتیم. این باعث می‌شود علاقه یک مقدار کم شود. من فکر می‌کنم اصلی‌ترین مسئله همین مسائل باشد. در سال‌های اخیر مسئله تحریم خیلی بوده است. این مسئله خیلی آزار دهنده بود. تحریم باعث شد افراد و مؤسسه‌های ژاپنی احتیاط کنند و نخواهند با مراکز علمی ایران ارتباط داشته باشند. بارها شده است که صحبت کردیم و از پژوهشگری خواستیم به انحاء مختلف دعوت کنیم. اولش خیلی خوشحال می‌شوند و استقبال می‌کنند و می‌گویند آرزوی ما این است در حوزه ایران و اسلام کار کنیم و دوست داریم به ایران بیاییم. بعداً که پرس‌وجو می‌کنند می‌گویند به ما گفتند سفر به ایران صلاح نیست و اگر به ایران سفر کنیم ممکن است بعداً به جای دیگر نتوانیم برویم و ممکن است بعداً ویزای آمریکا به ما ندهند. تدابیری اندیشیده می‌شود. خودشان بعضاً پاسپورت خود را عوض می‌کنند. یا گاهی کنسولگری سفارت ایران مهر ورود نمی‌زند. ولی باز آن احتیاط باعث می‌شود ریسک نکنند.





متأسفانه این ترس وجود دارد.

مسئله دیگر هم وجود دارد که حضور پژوهشگرها و اسلام‌شناس‌ها و ایران‌شناس‌های ایرانی در ژاپن هم خیلی محدود شده. به خاطر تحریم‌ها، و به خاطر گرانی ارز. واقعاً برای دانشگاه ایرانی سخت است که حمایت مالی کند. برای استاد و پژوهشگر ایرانی هم سخت است شخصاً بخواند سفر یا همکاری کند.

موانع بزرگ را من در حقیقت اینها می‌بینم. بعد مانع زبان هم وجود دارد. این مانع جدی است. خیلی از کارهای پژوهشی در مورد ایران و اسلام که انجام شده، از زبان واسطه بوده است. از زبان غربی استفاده کردند. ایران هم همین طور. خیلی از چیزهایی که در مورد ژاپن تحقیق می‌کنند در حقیقت از منابع دست دوم (عمدتاً انگلیسی) استفاده می‌کنند. در حالی که به نظر من مطالعه کردن فرهنگ هر کشور فقط یک کلید دارد و آن هم زبان است. زبان آن را بلد باشید وارد آن می‌توانید بشوید. اگر بلد نباشید فقط از بیرون نگاه می‌کنید و اقوال و نظرات این و آن را نقل می‌کنید. تعدادی از پژوهشگران به صورت بی واسطه نمی‌توانند مطالعه کنند. این مانع زبانی هم به نظر من وجود دارد.

### جناب عالی چه پیشنهادی برای بهبود این وضعیت دارید؟

— حل کردن مسئله به صورت کلان. به هر حال امیدواریم بهتر بشود.

در مورد زبان، در سال‌های اخیر کارهایی انجام شده است. مؤسسه دهخدا هم در دوره مدیریت قبلی آقای دکتر علی درزی و هم در دوره فعلی آقای دکتر محمود بی‌جن‌خان، خیلی کارهای مثبتی در زمینه آموزش زبان ژاپنی انجام داده است. بنیاد سعدی هم کارهایی کرده و فعال بوده است. ولی کافی نیست. با خود پژوهشگرها و زبان‌آموزهای ژاپنی صحبت می‌کنید می‌بینید که خیلی کمبود دارند. در تهیه کتب درسی مشکل دارند. کتب درسی استاندارد برای آموزش زبان فارسی به صورت سطر بندی شده، ترجیحاً مختص ژاپنی‌ها، یعنی کتاب‌های آموزش زبان فارسی که برای مخاطب ژاپنی نوشته شود واقعاً می‌تواند کارساز شود و کمک کند.

مسئله دیگر اهتمام به ایجاد آزمون استاندارد زبان است. زبان‌های دیگر مثل انگلیسی در سطح تافل و آیلتس و اینها دارند. خود ژاپنی آزمون استاندارد بین المللی دارد. ما می‌توانیم آزمون استاندارد بین المللی سنجش توانایی زبان ژاپنی داشته باشیم. در این زمینه هم می‌دانم کارهایی انجام شده است. مؤسسه دهخدا پیشگام بوده. دانشگاه بین المللی قزوین هم کارهای زیادی انجام داده. ولی هنوز آزمون استاندارد نیست که همه دنیا بپذیرند. این می‌تواند به نظم دادن و نظام مند کردن و در حقیقت ایجاد انگیزه بین زبان‌های دو کشور خیلی کمک کند.

برای رفع موانع به نظر من از ظرفیت دانشگاه‌ها به خوبی استفاده نشده است. به نظر من خیلی بهتر می‌شود از ظرفیت دانشگاه‌ها برای تقویت چیزی استفاده کرد که می‌توان «دیپلماسی فرهنگی» یا «دیپلماسی علمی آکادمیک» نامید. کسانی که بیشتر در حوزه ارتباطات فرهنگی بین دو کشور



تصمیم‌ساز بودند — عمدتاً رایزن فرهنگی، که در اختیار ارتباطات اسلامی است — معمولاً کسانی نبودند که متخصص فرهنگ ژاپن یا زبان ژاپنی باشند. البته لازم هم نیست باشند، ولی به هر حال بهتر است که از این ظرفیت‌ها که وجود دارد استفاده بشود. فکر کنم بین دو کشور خیلی بهتر می‌شود از ظرفیت دانشگاه‌ها استفاده کرد.

### به نظر شما چه ظرفیت‌هایی در ارتباط با اشتراکات فرهنگی بین ایران و ژاپن وجود دارد اگر به اختصار بفرمایید سپاسگزارم:

طبیعتاً وقتی هردو فرهنگ را کنار هم بگذاریم یک سری اشتراکات را بین آنها می‌بینید. هردو از کشورهای آسیایی هستند و فرهنگ شرقی محسوب می‌شوند. هردو در معرض استعمار قرار داشتند. خطر استعمار به نوعی وجود داشته. اینها یک سری شباهت‌هایی را ایجاد می‌کند. یک سری شباهت‌های فرهنگی بین ایران و ژاپن از قدیم وجود داشته. مثلاً احترام به بزرگ‌ترها و اهمیت خانواده در هردو کشور خیلی پررنگ است. یک سری عناصر فرهنگی مشترک را می‌بینیم. بعضی قصه‌ها و بعضی حکایت‌ها و بعضی مَثَل‌ها خیلی شبیه‌اند. البته همیشه می‌گویم باید با احتیاط درباره این شباهت‌ها نظر داد و صحبت کرد. به خاطر این که بعضی از شباهت‌ها می‌تواند کاملاً تصادفی باشد. هردو فرهنگ فرهنگ‌هایی هستند که انسان‌ها به وجود آورده‌اند و به هر حال طبیعی است که یک سری شباهت‌ها داشته باشند. بعضی شباهت‌ها می‌تواند حاصل وام‌گیری باشد. یک سری عناصر از یک فرهنگ وارد آن یکی بشود. در رابطه ایران و ژاپن، چون چین واسطه بوده و جاده ابریشم وجود داشته، یک سری چیزها قطعاً از ایران به آن جا رسیده. مثلاً در سازهای موسیقی، یکی از سازهای اصیل موسیقی سنتی ژاپنی ساز بیوا<sup>۱</sup> است. این ساز بیوا الان مشخص شده که ساز بریط یا عود ایرانی است که به چین رفته و بعد از چین به ژاپن رسیده است. اینها حاصل وام‌گیری است. یک سری شباهت‌ها هم وجود دارد که در حقیقت حاصل تأثیر فرهنگ سوم است، یعنی ایران و ژاپن هردو از هند یا هردو از چین گرفتند. این جا نقش هند و چین خیلی پررنگ است. مثال می‌خواهم بزنم. یک سری حکایت‌ها و یک سری مَثَل‌ها هستند که بین ایران و ژاپن مشترک است. مثلاً داستان فیل و کورها که مولانا نقل می‌کند. فیل در اتاق تاریک. هر کس یک قسمت از فیل را لمس می‌کرد و نظری می‌داد. عین آن در ژاپن هم وجود دارد. اگر ریشه اینها را نگاه کنیم می‌بینیم در حقیقت افسانه هندی است که از طریق چین وارد ژاپن شده و وارد فرهنگ ایران هم شده است. به اشتراک فرهنگی تبدیل شده است. برای همین همیشه فکر می‌کنم اگر بخواهیم اشتراکات فرهنگی ایران و ژاپن را دقیق بررسی کنیم نمی‌توانیم فقط این دو فرهنگ را بررسی کنیم و به نتیجه برسیم. این پازل کامل نمی‌شود مگر این که فرهنگ هند و چین را هم دخیل کنیم. اگر بخواهیم ژاپن را مطالعه کنیم باید ژاپن و هند و چین را با هم مطالعه کنیم تا به نتیجه‌گیری دقیق و منسجم برسیم.

1..biwa





## آیا فضای آکادمیک ما با فضای علمی ژاپن ارتباط دارد؟ لطفاً دربارهٔ ارتباط گروه زبان ژاپنی دانشگاه تهران با گروه زبان و ادبیات فارسی در ژاپن مختصری برایمان بگویید:

ارتباط منسجم و نظام‌مندی وجود ندارد. به همان دلایلی که خدمت شما عرض کردم. حتی اگر قرارداد همکاری یا تفاهم باشد با وضعیت فعلی خیلی شرایط قابل اجرا ندارد. ولی خودم به طور شخصی سعی کردم ارتباط داشته باشم و ارتباطم را با استادان زبان فارسی ژاپن هم در دانشگاه اُساکا و هم در دانشگاه توکیو حفظ کنم. بعضی از دانشجویهای خوب و علاقه‌مند آن جا که زبان فارسی می‌خوانند برای تکمیل زبان فارسی خود به ایران سفر می‌کنند. به دانشگاه تهران یا به مؤسسهٔ دهخدا می‌آیند. در مؤسسهٔ دهخدا دوره‌های کوتاه‌مدت و بعضاً بلندمدت می‌گذرانند. سعی می‌کنیم با استادان آنها در ارتباط باشیم. وقتی که این دانشجویها می‌آیند در آن دوره‌ای که دانشجوی دانشگاه تهران محسوب می‌شوند ارتباط با آنها راحت‌تر است. از آنها دعوت می‌کنیم به دانشکدهٔ ما و سر کلاس‌های ما بیایند و با دانشجویهای ما آشنا بشوند. دانشجویی که دانشجوی زبان فارسی است با دانشجویی زبان ژاپنی ارتباط برقرار کند و به همدیگر کمک کنند. سعی کردیم این جوری به صورت انفرادی ارتباط را حفظ کنیم.

ما نمایش به زبان ژاپنی را در گروه خودمان خیلی جدی گرفتیم. آموزش زبان از طریق نمایش و درام. در شش سال گذشته هر سال یک نمایش به زبان ژاپنی با دانشجویها کار می‌کنیم و آمادهٔ اجرا می‌کنند. الان دو سال است که به خاطر کرونا نمایش‌های ما صوتی شده است. جُدا جُدا در خانه هر کسی برای خودش تمرین می‌کند. دیالوگ‌های خود را می‌گویند و ضبط می‌کنند می‌فرستند. یک نفر ادیت می‌کند و موسیقی هم می‌گذاریم. یک وقت نقاشی‌هایی هم روی آن گذاشته می‌شود به شکل ویدئوهای ساده. در ژاپن هم از این کار نمایشی دانشجویهای ما خیلی استقبال شده است. در ژاپن هم دانشجویهای دانشگاه اُساکا و دانشگاه توکیو هر سال به زبان فارسی نمایش برگزار می‌کنند. امسال ما دو حکایت از مرزبان‌نامه را انتخاب کردیم. این را دانشجویها به زبان ژاپنی ترجمه کردند و دارند تمرین می‌کنند. کاری که امسال کردم این است که با استادان هردو دانشگاه اُساکا و توکیو صحبت کردیم و قرار شد دانشجویهای گروه نمایش ما و دانشجویهای گروه نمایش آنها به همدیگر کمک کنند. داستان مرزبان‌نامه را در ایران به ژاپنی ترجمه می‌کنند و برای بهتر شدن می‌فرستند ژاپن. دانشجویهای آنها چک می‌کنند و اشکالات آن را می‌گویند. آنها هم نمایشنامه را به زبان فارسی می‌نویسند و از ژاپن به دانشجویهای ما در ایران می‌فرستند و دانشجویان ما کمک می‌کنند. سعی می‌کنیم در غیاب به قول شما روابط رسمی و دولتی، خودمان به این شکل ارتباط و همکاری را نگه داریم. چون خیلی می‌توانیم به آنها کمک کنیم و آنها هم خیلی می‌توانند به ما کمک کنند.

آیا برای تقویت این پیوند و همکاری پیشنهادی دارید؟ به عنوان یک نخبه دانشگاهی چه اقداماتی را لازم می‌دانید تا در این خصوص انجام شود؟





- اصلی‌ترین مسئله همان طوری که گفتیم حل کردن مشکلات اصلی است. مشکلاتی که مانع حضور پژوهشگران ژاپنی و ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان در ایران می‌شود، مادامی که حضور مستقیم نباشد، ارتباطات با واسطه می‌شود. مسئله دیگر استفاده کردن از ظرفیت رایزنی علمی است. فکر می‌کنم نقش رایزنی علمی خیلی می‌تواند پررنگ باشد. می‌تواند مراکز علمی و پژوهشگران علمی دو کشور را به هم معرفی کند. یک مسئله دیگر اهتمام به ترجمه آثار ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان ژاپنی است. به خاطر این که خیلی از این پژوهشگران آثار خود را به زبان انگلیسی نمی‌نویسند و به زبان ژاپنی می‌نویسند. کسانی را داشته باشیم که اینها را «از ژاپنی» ترجمه کنند و در اختیار ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان قرار بدهد. این به نظر من بهتر از تکیه کردن به زبان انگلیسی است. تجربه‌ای که دو سال گذشته در دوره کرونا داشتیم مسئله فضای مجازی است. به نظر من از ظرفیت فضای مجازی خیلی می‌شود استفاده کرد. برگزار کردن کنفرانس‌ها و وبینارهای علمی با حضور ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان هردو طرف. در این کنفرانس‌ها «ارائه»هایی که انجام می‌شود یک چیز است و آشنا شدن پژوهشگرها با همدیگر و ارتباط برقرار کردن آنها نکته و برکت دیگری است که این مراکز دارند.

اهتمام به آموزش زبان فارسی در ژاپن به نظر من خیلی مهم است. خیلی از اسلام‌شناس‌های ژاپنی زبان فارسی نمی‌دانند. (خیلی از پژوهشگرهای ایرانی هم زبان ژاپنی نمی‌دانند) در حقیقت مرز زبانی [نامفهوم] از نظر من خیلی پررنگ است. این مشکل را می‌شود با آموزش زبان ژاپنی در ایران و آموزش زبان فارسی در ژاپن تقویت کرد و به دو طرف خیلی کمک می‌کند.

دعوت کردن از ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان ژاپنی تا استادانی که در این حوزه‌ها فعالیت دارند دوره‌ها و فرصت‌های مطالعاتی خود را در دانشگاه‌های ایران بگذرانند. چون خیلی از آنها فرصت‌های مطالعاتی خود را به غرب و دانشگاه‌های غربی می‌روند. نقش رایزنی فرهنگی می‌تواند خیلی مهم باشد. این دوره‌ها را دعوت بشوند در دانشگاه‌های ایران بگذرانند. فکر می‌کنم خیلی ارتباط بهتری شکل بگیرد.

### **جناب دکتر از آنجا که عمده مسئولیت و رسالت شما تربیت دانشجو است آیا اطلاعی دارید که در ایران علاقه به مطالعه و گرایش به زبان و ادبیات ژاپنی به چه صورتی است؟**

- ایرانی‌ها از گذشته خیلی به ژاپن علاقه دارند. موضوعات خیلی جذابی هست. هم برای مردم عادی و هم برای نخبه‌ها و سیاستمدارها. علاقه به ژاپن از دوره قاجار شکل گرفته است. دوره‌ای که ما درگیر جنگ با روسیه بودیم و در جنگ شکست می‌خوردیم و قراردادهایی با روسیه بسته می‌شد. ایرانی‌ها از طریق روزنامه‌هایی که در هند و ... منتشر می‌شد، مطلع می‌شدند که کشوری جزیره‌ای به اسم ژاپن هست که روسیه را شکست داده. ناوگان دریایی روسیه را درهم کوبیده و شکست داده. ناوگان روسیه که بعد از انگلیس قوی‌ترین نیروی دریایی دنیا بود. از آن جا کلمه ژاپن خیلی برای ایرانی‌ها پررنگ شد و کنجکاوی در مورد ژاپن پیش آمد. در روزنامه‌های دوره قاجار خیلی



می‌بینیم علاقه به ژاپن وجود دارد. دورهٔ پهلوی اول هم همین طور. بعد هم از یک دوره‌ای علاقه به ژاپن از منظر پیشرفت‌های علمی و صنعتی بود. لوازم خانگی و لوازم برقی و خودروهای کم‌مصرف و نسبتاً ارزان قیمت ژاپنی. برای همین همیشه ژاپن جزو موضوعات مورد علاقه بود. در سال‌های اخیر علاقه به انیمه‌ها و انیمیشن‌های ژاپنی بین نوجوانان و جوانان پررنگ بوده است. همچنین تا حدی موسیقی ژاپنی. البته شاید طی پنج شش سال اخیر کشورهای دیگر مثل کره، خیلی طرفدار بیشتری پیدا کردند. ولی هنوز هم بین نوجوان‌های ایرانی علاقه به ژاپن خیلی پررنگ است. دانشجویهای من که الان رشتهٔ زبان ژاپنی می‌شوند تا حدی ژاپنی بلد هستند، یعنی خودشان خواندند، فیلم دیدند، موسیقی گوش دادند، یک چیزهایی یاد گرفتند و با علاقه انتخاب کردند. خیلی‌ها زبان اول آنها زبان ژاپنی است. دوره‌ای که ما دانشجو بودیم این جوری نبود. خیلی‌ها شاید تصادفی وارد این رشته می‌شدند. ولی الان دانشجوها با علاقه وارد می‌شوند.

**گرچه می‌دانیم زبان ژاپنی هم یکی از زبان‌های دشوار است و ارتباط مفهومی آن در چارچوب لغات با زبان فارسی اندک است، لیکن شاید برای خوانندگان ما جالب باشد که شما چه مدت زمان طول کشید تا زبان ژاپنی را آموزش ببینید؟**

-رشتهٔ تحصیلی من از بدو ورود به دانشگاه زبان ژاپنی بود. طبعاً قبل از این که وارد دورهٔ کارشناسی شوم زبان ژاپنی نمی‌دانستم. پس از آن که در دانشگاه تهران در رشتهٔ زبان و ادبیات ژاپنی پذیرفته شدم در این رشته شروع به تحصیل کردم. البته یک سال در دورهٔ کارشناسی به صورت مهمان در دانشگاه ناگویای ژاپن بودم. بقیهٔ دورهٔ کارشناسی در دانشگاه تهران بودم. در دورهٔ کارشناسی، زبان ژاپنی را یاد گرفتم. دورهٔ دکتری پنج سال ژاپن بودم. دانش زبان ژاپنی‌ام تکمیل‌تر شد. خود زبان ژاپنی یادگیری‌اش برای ما چندان سخت نیست. آنچه سخت است نظام نوشتاری آن است. نوشتن آن واقعاً سخت است. خود زبان از نظر گرامری و تلفظ و ... خیلی سختی ندارد. یاد گرفتن نویسه‌های ژاپنی سخت است و تعداد آنها هم زیاد است. زبان ژاپنی نظام نوشتاری واژه‌نگار دارد که به آن کانجی می‌گویند. حدود دوهزار نویسه هست که اینها هم معنی دارند و هم چند تا تلفظ دارند. هر کدام آنها را باید یاد گرفت. سختی‌اش این است. یک سری حروف هجانگار دارند که در کنار اینها استفاده می‌شود. یاد گرفتنشان سخت نیست، و الان راحت‌تر هم شده است، به خاطر این که الان از فناوری جدید در آموزش زبان استفاده می‌شود. در دوره‌ای که ما دانشجو بودیم و این دوهزار نویسه را می‌خواستیم یاد بگیریم. دیکشنری نویسه و فرهنگ نویسه وجود داشت. در این فرهنگ‌ها شما اگر تلفظ نویسه را ندانید از روی شکل آن اگر بخواهید بگردید باید تشخیص بدهید که این نویسه با چند حرکت قلم نوشته می‌شود و بخش اصلی آن کدام است. از روی تعداد حرکت قلم و بخش اصلی، وارد فرهنگ چهار پنج هزار صفحه‌ای بشوید و ورق بزنید و آن نویسه را پیدا کنید ببینید چی خوانده می‌شود. ما این جوری یاد گرفتیم.



توضیحات شما نشان می‌دهد دنیای نوشتار و گفتار و تنوع زبانی و دایره واژگانی در زبان‌هایی مثل ژاپنی چقدر وسیع است حالا یک سوال پیش آمد که با توجه به این سختی‌ها علاقه شما به زبان ژاپنی چگونه شروع شد؟

-راستش به یاد دارم در دوره دبیرستان که بودم در یک برنامه رادیویی شعر ژاپنی دربارهٔ قالب شعر هایکو صحبت می‌کرد و می‌گفت کوتاه‌ترین قالب شعری جهان است. هایکو در ذهن من تا زمان انتخاب رشته خیلی پررنگ مانده بود. البته اول قرار نبود رشتهٔ زبان بخوانم. ماجرا طور دیگری پیش رفت و تصمیم گرفتم زبان بخوانم. انتخاب اولم زبان ژاپنی بود. به خاطر این که به نظرم خیلی شگفت‌انگیز و عجیب می‌آمد!

### به نظر می‌رسد شما در اصل به ادبیات ژاپنی علاقه‌مند شدید تا به زبان آن؟

-دقیقاً همین طور بود. بله. یعنی در اصل شعر و ادبیات ژاپنی مرا جذب خود کرده بود. ولی خب این یاد گرفتن نویسه‌ها را که گفتم، در دورهٔ ما خیلی سخت بود. الان اصلاً آن طور نیست. همین نویسه‌ها را که گفتم ما باید دانه دانه چک می‌کردیم، الان دانشجوها با گوشی خود از آنها عکس می‌گیرند و آن عکس را جست‌وجو می‌کنند و خیلی راحت انجام می‌شود. آن فرآگیری زبان خیلی راحت شده است. الان اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارهایی برای به خاطر سپردن و حفظ کردن و تمرین کردن نویسه‌ها وجود دارد. فکر می‌کنم اگر کسی تمام وقت خود را بگذارد، و علاقه هم داشته باشد، دو ساله بشود زبان ژاپنی و چهار مهارت اصلی آن را در حدی یاد گرفت که بتواند روزنامه بخواند یا متن بنویسد. الان خیلی راحت‌تر از گذشته شده است.

البته گفتنی است دورهٔ کارشناسی فقط شامل «زبان» ژاپنی نیست. در دو سال آخر ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر، نویسنده‌های ژاپنی، شعر ژاپنی، و از این دست است. در ژاپن هم همین طور است. آن جا هم دانشجوها، هم در دانشگاه اساکا و هم در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، غیر از «زبان» فارسی، ادبیات فارسی هم می‌خوانند و واحدهای کلاسیک هم دارند و با ادبیات جدید فارسی نیز آشنا می‌شوند. بد نیست نکتهٔ دیگری هم اضافه کنم در مورد حوزه‌هایی که ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان ژاپنی در مطالعهٔ ایران به آنها علاقه دارند. یعنی حوزه‌هایی که بیشتر در آن کار کردند. اینها را بخواهم فهرست‌وار خدمت شما بگویم، یکی خود آموزش زبان فارسی است که خیلی‌ها در این حوزه کار کردند، تهیهٔ کتاب، تهیهٔ جزوات، تهیهٔ فرهنگ لغت. بسیار شایسته است از مرحوم پروفیسور کورویاناگی<sup>۱</sup> اسم ببریم که چندین لغت فارسی به ژاپنی و ژاپنی به فارسی به جا گذاشتند و پدید آوردند. در خصوص آثار کلاسیک ادبیات فارسی، خیلی از آثار کلاسیک ما به زبان ژاپنی ترجمه شده است. بخش‌های زیادی از شاهنامه، حافظ، سعدی، نظامی، جامی، مولانا و خیام، ترجمه شدند و هنوز هم کم و بیش ترجمه می‌شوند. خیام فوق العاده مورد توجه ژاپنی‌ها بوده. مجال دیگری می‌خواهد در مورد خیام‌شناسی و ترجمهٔ خیام در ژاپن صحبت کنیم. قبلاً کسانی در مورد خیام‌شناسی در ژاپن کار کردند. بعضی‌ها دوازده

1. Tsuneo Kuroyanagi  
(1925—2014)



ترجمه خیام و بعضی‌ها نه تا را معرفی کردند. در کاری که خود من انجام دادم بیست و نه مترجم خیام را در ژاپن پیدا کردم که همه رباعیات خیام را — بخشی را البته از روی منابع مختلف — به ژاپنی برگرداندند. از اینها هفت نفرشان مستقیم از فارسی ترجمه کردند. بقیه از زبان واسطه ترجمه کردند که عمدتاً انگلیسی ترجمه فیتز جرالده بوده است. البته از ترجمه‌های غیر از فیتز جرالده هم استفاده شده است. رباعیات را در ژاپن خیلی می‌شناسند! بارها و بارها تجدید چاپ شده است. خیلی از نخبه‌ها و روشنفکرها و کتاب‌خوان‌های ژاپنی با رباعیات خیام آشنا هستند.

آثار ادبی معاصر هم مقداری ترجمه شده است. البته هنوز خیلی جای کار دارد. صادق هدایت بیشتر از همه مورد توجه بوده. جلال آل احمد را خیلی توجه کردند. اشعار فروغ فرخزاد و سهراب سپهری کم و بیش ترجمه شده است ولی هنوز جا برای کار دارد.

در مورد تاریخ ایران، گفتم تاریخ ایران باستان را علاقه دارند. و دوره سلجوقی تا صفوی، و به‌خصوص دوره ایلخانی را ژاپنی‌ها خیلی علاقه دارند. تاریخ معاصر را هم عرض کردم که به انقلاب مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت و همین طور انقلاب اسلامی علاقه دارند.

یکی از حوزه‌هایی که برای ژاپنی‌ها در اقتصاد ایران جالب است، موضوعات تاریخی اقتصاد است. مالکیت در دوران قدیم در ایران، اقتصاد روستایی، اقتصاد کشاورزی، نظام مالیاتی در ایران قدیم. پژوهش‌های خیلی مفصلی در خصوص نظام مالیاتی دوره ایلخانی انجام داده‌اند.

اقتصاد معاصر ایران هم طبیعتاً برای ژاپنی‌ها خیلی جذاب است در مورد آن کار می‌کنند.

در حوزه مردم‌شناسی و قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی ایران، ژاپنی‌ها خیلی کار کردند. مطالعه زندگی مردم در روستاها، عمدتاً از نوع مطالعه‌های بی واسطه بود، یعنی داخل روستاها حضور داشتند و مشاهده مستقیم کردند. معروف‌ترین آن همان کتاب *خیرآبادنامه* اثر پروفیسور موریو اونو<sup>۱</sup> است. وی ۲۵ سال در روستای خیرآباد از توابع مرودشت استان فارس حضور داشته و مشاهدات خود را در قالب *خیرآبادنامه* نوشته است. دکتر هاشم رجب‌زاده کتاب را ترجمه کرده و انتشارات دانشگاه تهران آن را منتشر کرده است. مدیریت آب در ایران برای ژاپنی‌ها خیلی جالب است. ایران در کمربند خشکی واقع شده است. کمربندی که از غرب آفریقا شروع می‌شود و تا آسیای میانه خشکی است. ایرانی‌ها از آب فوق العاده هوشمندانه استفاده کردند. در جایی به این خشکی کلان‌شهری مثل نیشابور را ساختند که یک از مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای دنیا قبل از حمله مغول بود. این که اینها چه جوری آب را مدیریت می‌کردند خیلی برای ژاپنی‌ها جذاب بود. بنابراین پژوهش‌های بسیار جالبی مثلاً در حوزه قنات در ایران انجام دادند. کارهایی که خیلی ارزشمند است و بعضی از آنها به فارسی ترجمه شده است و بعضی از آنها جا دارد که ترجمه بشود.

درباره سفال‌گری و سرامیک‌سازی در ایران، ژاپنی‌ها تطبیقی انجام دادند و با سفال‌های چینی و ژاپنی مقایسه کردند.

1. Morio Ono (1925—2001)

در حوزه اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی در سال‌های اخیر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خیلی کار



شد. در مورد فقه اسلامی، احکام اسلامی، امامزاده‌ها، و اماکن متبرکهٔ ایرانی، مخصوصاً پروفیسور کامیوکا<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر خیلی کار کرده است. در مورد اماکن متبرکه در بخش‌های مختلف ایران، ژاپنی‌ها خیلی کار کردند و اطلاعات آن را جمع‌آوری می‌کردند. اینها را که حوزه‌های مورد علاقهٔ ژاپنی‌ها در ایران است می‌توانم به صحبت‌هایم اضافه کنم.

بسیار عالی است جناب دکتر، تجربه شما در گشودن مسیرهای کسب دانش و مهارت زبانی بسیار عالی و جذاب است. ارتباط ایران با فرهنگ شرقی بیشتر از طریق رسانه هاست. به نظر من کانون‌های علمی وظیفه دارند در بازنمایی سرمایه‌های زبانی و میراث فرهنگی مشترک تلاش کنند. دفترمجله ایرانی اسلامی بسیار خرسند است که این فرصت را در اختیارش گذاشتید تا بخشی از خاطرات، تاریخ شفاهی و زیسته علمی تان را در اختیار ما قرار دهید. برایتان سربلندی و توفیق آرزو مندیم.

1. Koji Kamioka